

☆ (فارابی) ☆

(۲۶۰ - ۳۳۹ هـ)

(زندگانی فارابی)

بقلم : ك . رجوی

(۲)

در موقع مرگ فارابی در آنجا نبود او را نماز گزارده باشد .

پس از مطالعه این دو حکایت چنین میتوان احتمال داد که پس از بیرون رفتن سیف الدوله از دمشق فارابی یادر همانجا مانده و بالطبع یکسال دیگر در حالت اعتزال زیسته و پس از یکسال در همان شهر در گذشته است . منتهی نماز خواندن سیف الدوله را نویسندگان علاوه کرده اند . یا اینکه فارابی نیز بیرون رفته و در اثنای انقلابات و ناامنی راهها دچار حادثه گشته و مرده است .

در سال وفاتش اختلافی نیست :

۳۳۹ هجری (مطابق ۹۵۰ میلادی) مینویسند :

۷ - اخلاق و عادات شخصی

فارابی ، - آنچه از تواریخ بر می آید فارابی در اوایل جوانی دارای تعصبی در اجرای آداب آباء و اجداد خود بوده و در ایام تحصیل حتی موقعیکه بخدمت سیف الدوله رسید، زی ترکی خود را نگاه داشته بود .

ابن خلکان گوید: «وهو بزی الاثرک

وكان ذلك زیه» . ابوالفداء نیز این

مطلب را اشاره کرده .

بافرض قبول این مطلب وعدم تحریف

۶ - اواخر عمر و وفات فارابی -

بنا بقول لطفی جمعه فارابی در اواخر عمر از خدمت امراء اعتزال کرده و معتكف میزیست و در اثنای رحلتی بدمشق وفات یافت. در قسمت اول یعنی اینکه میگوید اعتزال از خدمت کرده بود مأخذ او را نمی دانیم . ولی در قسمت دوم گویا مأخذ تاریخ الحکمای شهر روزی است که حکایتی راجع بمرگ فارابی میگوید شبیه تنصه مرگ متنبی شاعر عرب معاصر فارابی . و آن حکایت اینست :

فارابی از دمشق بر میگشت . در

راه دزدان با وی مصادف شدند و اموال ویرا گرفتند . فارابی با دزدان جنگید و در اثنای جنگ کشته شد .

(دور نیست که این حکایت از حکایت

مرگ متنبی گرفته شده باشد .)

ابن خلکان میگوید : فارابی

بسال ۳۳۹ در دمشق وفات یافت و سیف الدوله باتنی چند از خاصه خود و در ایام صوفیان بر او نماز گزارد و جسد وی را در همان شهر در خارج باب الصغیر بجاک سپردند . این حکایت نیز مورد تأمل است . زیرا بموجب تواریخ سیف الدوله را در ۳۳۸ از دمشق بیرون کردند و

خواندم و باز دیدم محتاج رجوع بدان هستم . .
این روایات - اگر هم تا اندازه آمیخته باغراق باشد - باز جدیت و همت بلند او را در تحقیق می‌رساند .

با وجود اینکه فارابی فلسفه ارسطورا در حقیقت احیا کرده میتوان گفت جانی بدان بخشیده است ، باز وقتی از وی می‌پرسند که « تو داناتری یا ارسطو ؟ » میگوید : « اگر زمان ویرا درك می‌کردم ، بزرگترین شاگرد او میشدم . » این فروتنی زیاد بدیهی است که از کثرت استادی او در عرصه فلسفه بوده است تواضع زگردن فرازان نکوست

گداگر تواضع کند خوی اوست
و الا اگر فارابی کتب ارسطورا شرح و ترجمه نکرده بود ، از فلسفه ارسطو فعلا چیز مهمی در دست نمی‌ماند . گذشته ازین اروپائیان نیز اقرار دارند که کتب ارسطو - آنچه در دست مانده - سخت مغلق و صعب الفهم است . فارابی است که نکات مشکله آن را روشن کرده و مطالبش را تکمیل نموده و عالمی را متوجه فلسفه او ساخته است .

فارابی از اجتماع بیراز بوده و اغلب در کنار جوئیباران و وزیر درختان نشسته و (فراغتی و کتابی و گوشه چمنی) را بر معاشرت با مردم زمانه ترجیح میداد تا با سودگی بتحقیق

آن از « هیئه الاتراك » شهر روزی باز قول قطعی ددیگران - که می‌گویند : **و اقام مدتی کوفه (سیف الدوله) بزی التصرف** نهضت این قول است و ما نمی‌توانیم چنین تعصب بیهوده را از یک فیلسوف کامل تا اواخر عمر قبول داریم . بخصوص این خلکان تصریح میکند بر اینکه فارابی مردی زاهد و بی‌اعتنا بکار دنیا بود و با مر مسکن و مکسب خود نمی‌پرداخت . تا چه رسد بلباس و طرز پوشش خویش .

همو گوید که فارابی از بخشش مستمری سیف الدوله ، تنها روزی بچهار درهم قناعت ورزید و با این وجه مختصر تا آخر عمر زندگی کرد . و خوراك وی منحصر بچند چیز معین بود ...

فارابی سخت ذکی النفس و کثیر التامل بود . در تحصیل و تحقیق مطالب همت خستگی ناپذیری داشت . چنانکه گوید از شدت بی‌چیزی شبها چراغی برای مطالعه کتب نداشته و در نور چراغ پاسبان مطالعه می‌نمود ،

ابن خلکان گوید : نسخه از کتاب (نفس) (۱) بدست آمد که فارابی بنام خود بر پیش آن نوشته بود : « من این کتاب را صدبار خواندم . »

همو نویسد که روایت کردند فارابی گفت : کتاب (سماع طبیعی) ارسطورا چهل بار

و تألیف پردازد، با وجود این مردم او را راحت نگذاشته، اتصالاً بدیدنش میرفتند. و هنگامیکه چنین محل مناسب طبیعی دست نمیداد، **فارابی** در گوشه کلبه خور خزیده و بکار خود مشغول میشد. چنانکه از بعضی اشعار منسوبه بوی استنباط می شود: «چون در صحبت مردم زمانه خیری بدیدم و هر رئیسی را باملالی و هر رأسی را یا صدای مشاهده کردم، گوشه خانه خود التزام نمودم و عزت و قناعت برگزیدم و از معاشرت مردمی که خانمانها از آنان نامسکون مانده است اجتناب جست.

در قطعه دیگر خلاصه حیات مادی و معنوی خود را بدینگونه تصویر میکنند و مابین آن قطعه را ذکر میکنیم.

**بزجا جتین قطعت عمری
و علیهما عولت امری
فز جاجه هانت بحبر
و ز جاجه هانت بخمر**

فبذی ادون حکمتی

و بذی ازیل هموم صدری

باینکه فارابی تقریباً تمام زندگانی خود را با نوشتن کتب و رسالات گذرانده، آن اندازه بنوشته های خود بی اعتنا بوده که هیچ گونه قدر و قیمتی بر آنها ننهاد و در دفترهای مرتبی ننوشته است. بلکه اغلب در روی ورقپاره های نامرتب تحریر کرده لذا اکثر آنها ازین رفته و آنچه باقیمانده اغلب ناقص و

پاره رسالات بدست آمده که عبارت از تعالیقی است بر کتب دیگر و اصل آنها مناسفانه از بین رفته است.

این نمونه ایست از اخلاق عملی شخص فارابی که خود بدان متصف بوده. ولی اخلاق نظری یعنی عقاید اخلاقی وی، بدیهی است در ضمن فلسفه او خواهد آمد.

رویهم رفته فارابی عامل قسمت عمده از نظریات اخلاقی خود بوده و بنا بتعریف قدما هر دو جنبه علمی و عملی فیلسوف را دارا بوده است.

قسمت دوم

آثار فارابی

در کتب ابن خلیکان، ابن ندیم و

طبقات الاولیاء فارابی اصیبه و طبقات الحکماء

قاضی صاعد و کشف الظنون حاجی

خلیفه و غیره اسامی کتب و رسالات و مقالات

بسیاری از فارابی مسطور است که مجذوع

آنها قریب ۱۰۲ جلد (از شرح و کتاب رساله)

میباشد. باینکه گفتیم فارابی بنوشته های

خود بی اعتنا بوده و اغلب آنها ازین دسترس

باز معلوم می شود در زمان مؤلفین فوق الذکر

۱۰۲ شماره از آنها موجود بوده است.

صاحب قاموس الاعلام

رسالات و کتب ابونصر را تماماً از کتبهای

نوق الذکر استخراج کرده و عمده آنها را الخ

۱۱۷ جلد نموده است که ما ذیلا فهرست آنرا

- ۷ - شرح کتاب خطابه ارسطو . (۲)
- ۸ - شرح کتاب مغالطه ارسطو . (۳)
- ۹ - شرح مقاله تازه از کتاب جدول ارسطو .
- ۱۰ - شرح کتاب قیاس ارسطو . (۴)
- ۱۱ - شرح کتاب عبارت ارسطو . (۵)
- ۱۲ - شرح کتاب مقولات ارسطو .
- ۱۳ - کتاب مختصر کبیر در منطقی .
- ۱۴ - کتاب مختصر صغیر در منطقی .
- ۱۵ - کتاب مختصر ارسطو در قیاس .
- ۱۶ - کتاب توطئه در منطقی .
- ۱۷ - شرح کتاب کلیات خمس (۶) فورفوروس
- ۱۸ - املائی در معانی کلیات .
- ۱۹ - کتاب قیاس صغیر .
- ۲۰ - احصاء قضایا و قیاساتی که علی العموم در جمیع صنایع قیاسیه مستعمل است .
- ۲۱ - کتاب شروط قیاس .
- ۲۲ - کتاب برهان .
- ۲۳ - کتاب جدول .
- ۲۴ - کتاب مواضع منتزعه از مقاله هشتم در جدول .
- ۲۵ - کتاب مواضع منطقیه .
- ۲۶ - کتاب اکتساب مقدمات .
- ۲۷ - کلامی در مقدمات مرکب از وجودی و ضروری .
- ۲۸ - کلامی در خلاء .
- ۲۹ - صدر کتاب خطابه .

خواهیم نگاشت . ولی باید دانست که این اختلاف شماره این کتاب نامی شده که هر یک از مورخین و نویسندگان رسالتهای فارسی زبان با همی و عنوانی علیحده صاحب کرده اند . **صاحب قیاس و اعلام** فرقی ما بین اسامی مختلف بعضی رساله ها نگذاشته و هر یک از آنها را کتابی جداگانه پنداشته است مثلا در کتابی «**کتاب المدینه الفاضله والمدینه الفاسقه والمدینه الجاهله والمدینه الضاله والمدینه الیهیله**» دیده و در کتابی دیگر «**آراء اهل المدینه الفاضله**» خوانده و هر یک از این دو را اسم کتابی علیحده تصور کرده است . در صورتیکه این رساله امروز در دست و در موضوع آن شامل هر دو اسم فوق الذکر است . علاوه بر این شمس الدین اصلا پاره اسمی را در فهرست خود تکرار کرده .

بندک فهرست اسامی (با ترجمه اسامی به فارسی و حذف مکررات) .

۱ - **فهرست آثار فارابی :**

- ۱ - کتابی در احصاء علوم و تعریف آنها .
- ۲ - کتابی در اغراض فلسفه افلاطون و ارسطو
- ۳ - سیاست مدینه .
- ۴ - سیر ماضله .
- ۵ - شرح کتاب مجسطی بطلمیوس .
- ۶ - شرح کتاب برهان ارسطو . (۱)

۱ - آنالوطیقا . ۲ - زوتوریکا . ۳ - سوفسطیقا .

۴ - ابن الندیم نام این کتاب ارسطورا قاطینوریاس نوشته و آن سهواست . زیرا قاطینوریاس یونانی و کاتگوری (Categorie) فرانسوی هر دو بمعنی (مقوله) است . لذا باید گفت ابن الندیم اسم کتاب (مقولات) ارسطورا بکتاب (قیاس) گذاشته .

۵ - بار یضیاس . ۶ - ایساغوجی .